

مجاز معادل داشته باشیم چون ما نمی‌توانیم بپریم یک فرایند فناورانه را ریسک کنیم و حداقل یک آدم را منهدم کنیم.

بنابر این ما ادعا نمی‌کنیم سطح استاندارد خیلی بالایی داریم بلکه می‌گوییم باید داشته باشیم.

ما استاندارد خیلی سختگیرانه‌ای داریم، حتی ممکن است یک جایی اقتصادی جواب ندهد ولی می‌گوییم اقتصاد یک عدد است و جان مردم هم یک بحث دیگر است.

فرض کنیم یک متریل سنگین‌تر بگیرم در نهایت پول بیشتری می‌دهم، درست است از جیبمان داریم خرج می‌کنیم یا جیب مردم، ولی جان مردم را ایمن نگه می‌داریم.

بنابراین می‌خواهم بگویم که ما در شرکت ملی گاز این فرایند را نگاه می‌کنیم، در صورتی که در آن نظام رتبه‌بندی مثلاً توان علمی و توان مالی را مدنظر قرار می‌دهد.

این وقتی در فرایند اتفاق می‌افتد ما باید ببینیم آیا توان گرفتن معادله‌های جسمی مان را دارد و همچنین آیا توان گرفتن استانداردهای بین‌المللی معادل آن را دارد؟ بنابراین بعد از آن می‌توانیم آن

مثلاً اینها به این نتیجه رسیده‌اند به خاطر اینکه از همه ظرفیت‌های پیمانکار کشور استفاده کنند یک خط لوله‌ای که پیچیدگی کمتری دارد، مثلاً گریدهای یک تا ۱۰ را کنار می‌گذارند و از ۱۱ به بعد شروع می‌کنند.

الان با ریش سفیدی می‌گویند آقا شما نیا، بگذارید شرکت‌هایی که ضعیف‌تر هستند وامسال به آنها کار نرسیده وارد فرایند شوند.

ما برای انتخاب شرکت‌ها بر اساس معیارهای مشخص گزینه‌ها را از لحاظ فناوری بررسی می‌کنیم.

مثلاً از لحاظ علمی، معاونت علمی می‌آید در یک چهارچوبی بررسی می‌کند و یک فرمولی می‌دهد ولی ماهیت علمی از نظر تخصص را مطالعه نمی‌کند.

مثلاً یک آزمایشگاه دارد، یک واحد شبیه‌سازی دارد، یکسری دانش‌بنیان آنجا دارد، یکسری تجهیزات سخت‌افزاری دارد؛ اینها آیا در کنار هم قرار بگیرند می‌شود؟

ما استعلامان را می‌گیریم و اگر نگیریم مثلاً نمی‌توانیم به یک نفر ۳ میلیون یورو پول بدهیم و صرفاً به یک نظام رتبه‌بندی که اتفاقی افتاده اکتفا بکنیم چون ریسکمان بالا می‌رود.

فرض کنید آن پول رفت و اشکالی هم ندارد ما باید بدانیم که این کار در شرکت‌های دانش‌بنیان اتفاق نمی‌افتد نمی‌توانیم فرایند تولیدمان را تحویل شرکت دانش‌بنیان بدهیم، به همین دلیل تولید گاز از ساعت صفر شروع می‌شود و از ساعت صفر به بعد ادامه دارد.

ما نمی‌توانیم برویم برای یک فرایند نان‌استاپ ریسکی را متناسب با رتبه‌بندی قائل شویم.

در فرایندهای موازی شرکت‌های دیگری را پیدا می‌کنیم که حداقل مونتاژ بکند تا این شرکت روی پای خودش بایستد یا مثلاً می‌رود خرید خارجی انجام می‌دهد یا نه یک تعمیرکار بین‌المللی می‌آورد باکسش را تعمیر می‌کند.

یک بحث دیگر هم این است که ما فرایند نان‌استاپ تولید داریم و اینکه یک شرکت پرخطریم.

اگر یک تعهدی در حوزه دانش‌بنیان داده شود حتماً باید مجوزهای بین‌المللی و تراز بین‌المللی یک

ریسک آن، سه شرکت دانش‌بنیان انتخاب کردیم و از این شرکت‌های دانش‌بنیان، یک شرکت تصویب شد، اما این شرکت در میانه راه اعلام کرد که توانایی ادامه کار را ندارد و گفت من آن تصویری که از ابتدای کار داشتم تصور اشتباهی بوده و فکر می‌کردم می‌توانم انجام دهم. حتی نامه هم زد و گفت شما حق دارید که پروژه ما را فسخ کنید. البته ما رفتارمان با شرکت‌های دانش‌بنیان معمولاً فسخ قرارداد نیست.

به خاطر این است که آن پولی را که دادیم بتوانند صرف کار دیگری بکنند و همینطور بعداً ضمانت‌نامه‌شان را به اجرا نگذاریم، حتی قانونی نگاه می‌کنیم و ترحمی هم نگاه نمی‌کنیم. قانون و مسیرش را پیدا می‌کنیم تا جایی که کار را انجام داده‌اند تحویل می‌گیریم و بقیه آن را هم با آنها تسویه می‌کنیم تا کار به دعوا و بحث‌های حقوقی نکشد.

از آنجایی که شرکت‌های دانش‌بنیان شرکت‌های ضعیفی هستند، تضعیف آنها آسان است اما بلند کردنشان بسیار دشوار است. از این جهت هیچ‌گاه این کار را انجام نمی‌دهیم.

بنابراین کمتر از ۱۰ درصد از پروژه‌هایمان با ریسک مواجه شده است.

همکاری با دانش‌بنیان‌ها جزو حوزه بسیار پربازده برای شما است؟

برای ما خیلی پربازده است، یکی از دلایلی این است که خیلی با وسواس انتخاب می‌کنیم. خیلی طول می‌کشد تا یک شرکتی را انتخاب کنیم. اول شرکت را می‌بینیم و آن را ارزیابی می‌کنیم بعد با آنها مصاحبه می‌گذاریم تا ببینیم چقدر برای انجام کار توانایی دارند.

آیا طبق رتبه‌بندی شرکت‌ها عمل می‌کنید؟

در این صنعت رتبه‌بندی داریم. رتبه‌بندی در حوزه پیمانکاری است. البته شرکت‌های دانش‌بنیان رتبه‌بندی نمی‌خواهند.

اگر شما به شرکت توسعه گاز ایران تشریف ببرید متوجه می‌شوید وقتی بخواهید یک خط لوله بدهید به یک نفر اجرا کند متولی دارد، حالا اینکه



ویژه‌نامه
صنعت نفت
«دانش بنیان»

ایران

اردیبهشت ۱۴۰۲